



									
Arnulf premier Duc de Brabant.	Arnulf 2 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Charles le Bel 3 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Landolf 4 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Arnulf 5 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Charles Nass 6 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Charles Eschanius 7 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Carloman 8 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Popin 9 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Grimstadius de Brabant.
									
Robert et Begue 11 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Pepin 12 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Charles Martel 13 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Pepin le bref 14 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Charles le Meine 15 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Robert 16 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Lothaire 17 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Charles le Chauve 18 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Louis successeur le Begue 19 <sup>e</sup> Duc de Brab.	Charles le 20 <sup>e</sup> Duc de Brabant.
									
Robert 21 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Robert 22 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Othon 23 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Lambert et Gerbode 24 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Geofroy ou Godfroy 25 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Geofroy 26 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Geofroy 27 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Henry premier 28 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Henry 29 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Henry 30 <sup>e</sup> Duc de Brabant.
									
Jean 31 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Jean 32 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Jean 33 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Guencelstas et Jeanne 34 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Antoine et ses 2 filz 35 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Liederick dit le Buc 36 <sup>e</sup> Duc de Brabant.	Antoine 2 <sup>e</sup> Evêque de Flandre.	Bouchard 3 <sup>e</sup> Evêque de Flandre.	Estorade 4 <sup>e</sup> Evêque de Flandre.	Liederick 5 <sup>e</sup> Evêque de Flandre.



# گمدی اشتباهات

ویلیام شکسپیر

به روایت سیدنوید سیدعلی اکبر





# کمدی اشتباهات

## ویلیام شکسپیر

به روایت سیدنوید سیدعلی اکبر

دبیر مجموعه و طراح گرافیک: علی بخشی

تصویرگر روی جلد: نسترن عنبری

تصویرسازی: فرانک هاوارد، مجموعه‌ی جوهره‌ی نمایشنامه‌های شکسپیر

ویراستار: فرناز حیدری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

چاپ دوم: ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۶۵-۶

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۶۷-۰

- همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
- هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

سرشناسه: سیدعلی اکبر، سیدنوید، ۱۳۶۲، - اقتباس‌کننده  
عنوان و نام پدیدآور: کمدی اشتباهات / ویلیام شکسپیر؛ به روایت سیدنوید سیدعلی اکبر.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.

فروست: شکسپیر خندان؛ ۲.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۶۵-۶ - ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۶۷-۰؛ دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۶۷-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه و اقتباسی از کتاب کمدی اشتباهات اثر ویلیام شکسپیر است.

موضوع: شکسپیر، ویلیام، ۱۵۶۴ - ۱۶۱۶م. -- اقتباس‌ها

موضوع: Shakespeare, William -- Adaptations

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian fiction -- 20th century

رده بندی کنگره: PIR۸۳۴۸

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۲۰۵۲۵

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون،  
کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵

تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵

info@hoopa.ir

www.hoopa.ir



نمی‌شود این کله‌ی تخم‌مرغی و چشم‌های تیز و این لب‌های ترد و شکننده را از تاریخ ادبیات دنیا حذف کرد. نمی‌توان شاعر بود و شکسپیر نخواند. نمی‌توان عاشق تئاتر بود و نمایش‌های شکسپیر را روی صحنه ندید. بدون شکسپیر دنیا حتماً جای به‌دردنخوری بود. اگر او نبود، آن زنان عاشق و بی‌پروا، آن مردان غمگین و سودازده، آن دلک‌های همیشه‌خندان فهمیده، آن لحظات عمیق خیره‌شدن به صحنه‌ی روشن از دل تاریکی را دیگر کجا می‌شد پیدا کرد؟

تازه از نمایشنامه‌های شکسپیر کلی فیلم ساخته‌اند. آکیرا کوراساوا با فیلم سریر خون، گریگوری کوزینتسوف با فیلم هملت، کینت برانا با هنری پنجم، فرانکو زفیرلی با فیلم رومئو و ژولیت و



حتی راجر آیرس با کارتون شیرشاه، تنها چند تا از خیل عظیم سینماگرهایی هستند که از نمایشنامه‌های شکسپیر اقتباس سینمایی کرده‌اند.

حالا دیگر خیلی از داستان‌ها و رمان‌های امروزی را بدون ارجاع دادن به شخصیت‌ها و تم‌های شکسپیر نمی‌توان فهمید. کاپیتان آهب رمان موبی‌دیک اثر هرمان ملویل از جنس مردان بدفرجامی چون مکبث است.

اما از زندگی خود شکسپیر هیچ‌کس چیز زیادی نمی‌داند. گویا در ۲۶ آوریل ۱۵۶۴ در شهر استراتفورد انگلستان پسری به دنیا آمده که کودکی و نوجوانی چندان دل‌پذیری نداشته است. خیلی زود ترک تحصیل می‌کند و مشغول کار می‌شود و در هجده‌سالگی هم ازدواج می‌کند. بعد هم صاحب سه بچه‌ی قدونیم‌قد می‌شود. البته تروخشک کردن و سیرکردن شکم این بچه‌ها در مقابل گرفتاری بعدی‌اش هیچ به حساب می‌آیند. آن‌طور که گفته‌اند شکسپیر در شکارگاه یکی از کله‌گنده‌های استراتفورد شکار

می‌کند و چون لو می‌رود مجبور می‌شود از این شهر فرار کند و به لندن برود. آن‌جا هم در تماشاخانه‌های شهر مشغول کار می‌شود، اما هم‌زمان شروع به نوشتن و بازیگری هم می‌کند. طولی نمی‌کشد که برای خودش شهرتی به هم می‌زند و از فلاکت نجات پیدا می‌کند. از دهه‌ی سوم زندگی‌اش به‌بعد ده‌ها نمایشنامه و شعر می‌نویسد و در تماشاخانه‌های لندن مخصوصاً در تماشاخانه‌ی گلوب که سهام‌دار آن هم بود کارگردانی می‌کند. او سال‌ها بعد به استراتفورد برگشت و همان‌جا در ۲۵ آوریل ۱۶۱۶، در سن پنجاه‌وسه‌سالگی درگذشت.

شکسپیر سی‌وهفت نمایشنامه نوشته است و تعدادی شعر. نمایشنامه‌های او را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: تراژدی‌ها، کمدی‌ها و آثار تاریخی.

تراژدی‌ها نمایشنامه‌هایی هستند که سرگذشت غم‌انگیز و عبرت‌آموز یک یا چند شخصیت معمولاً و الا مقام را نمایش می‌دهند. این شخصیت‌ها هیچ‌کدام عاقبت‌به‌خیر نمی‌شوند.

اصل تراژدی به سنت نمایش‌های یونان باستان برمی‌گردد. از نمایشنامه‌نویس‌هایی مثل سوفوکل و اورپید که قرن‌ها قبل از میلاد مسیح زندگی می‌کرده‌اند چندین تراژدی باقی مانده است.

اما نمایش‌های کمدی هم ریشه در یونان باستان دارند. در این نمایش‌ها که معمولاً آدم‌های عادی شخصیت‌های اصلی آن‌ها هستند اتفاقات خنده‌داری می‌افتد که ناشی از اشتباهات غیر عمد یا ویژگی‌های احمقانه‌ی انسان‌هاست. تماشاگر هم موقع دیدن این آثار خیالش راحت است که قهرمان‌های داستان به مراد دلشان می‌رسند و قصه پایان خوش دارد. آریستوفان و میناندر از کمدی‌نویس‌های یونان باستان بوده‌اند.

نمایشنامه‌های تاریخی شکسپیر هم بر مبنای وقایع واقعی تاریخ اروپا نوشته شده‌اند. نمایشنامه‌هایی مثل ریچارد سوم و هنری هشتم که هنوز هم بسیار محبوب هستند و در تماشاخانه‌های دنیا اجرا می‌شوند.

ما در مجموعه‌ی شکسپیر خندان کمدی‌ها و در مجموعه‌ی شکسپیر گریان تراژدی‌های شکسپیر را به قصه‌هایی روان و خواندنی تبدیل کرده‌ایم. سیدنوید سیدعلی اکبر ساختار دیالوگ‌محور نمایشنامه‌ها را تغییر داده، اما اصل ماجراها و شخصیت‌های اصلی را حفظ کرده است. در ضمن تصویرهای این کتاب‌ها هم اثر یک نقاش درجه‌ی یک به نام فرانک هاوارد است که در قرن نوزدهم نمایشنامه‌های شکسپیر را تصویرگری کرده است. او تا سال ۱۸۳۳ تصویرگری مجموعه‌ی آثار شکسپیر را کامل کرد و اسم آن را هم گذاشت: جوهره‌ی نمایشنامه‌های شکسپیر.

امیدواریم از خواندن این مجموعه کتاب آن قدر خوشتان بیاید که اراده کنید و بروید سراغ اصل نمایشنامه‌های شکسپیر. به قول شکسپیر: جسم ما باغ است و اراده‌ی ما باغبان.

علی بخشی

گامدی  
اشتیباہات





ساحل افسس<sup>۱</sup> شور و شوم بود. انگار که کابوسی  
را حامله باشد. مرغ‌های دریایی در آسمان اسکله  
می‌چرخیدند و جیغ‌های ترسناکی می‌کشیدند.  
کشتی چوبی بزرگی کنار ساحل ایستاده بود و جاشوها بارهاش  
را خالی می‌کردند.  
نزدیکی‌های ظهر بود و دو مرد کنار ساحل قدم می‌زدند. آفتاب  
داغ تابستان پوست‌هاشان را می‌سوزاند.  
یکی از مردها که ردای سفید نازکی روی شانه‌هاش انداخته  
بود، گفت: «هیچ‌جا شهر خودِ آدم نمی‌شه درومیو!<sup>۲</sup> هیچ‌جا!

۱. Ephesus؛ شهر مهمی در یونان باستان که امروزه در ترکیه واقع شده.

دلم برای سیراکوز<sup>۱</sup> تنگ شده.»

درومیو گفت: «همین‌طوره ارباب آنتی‌فولوس<sup>۲</sup>! زمان زیادیه که شهر زادگاهمون رو ندیده‌ام. دلم برای پدرتون خیلی تنگ شده. کاش زودتر برگردیم.»

آنتی‌فولوس گفت: «من هم دلم برای پدر تنگ شده. من که توی این دنیا کسی رو جز اون ندارم. همین‌که کارمون توی افسس تموم بشه، به شهرمون برمی‌گردیم. الان درست هفت ساله که از این شهر به اون شهر می‌ریم. بهت قول می‌دم که این دیگه آخرین سفرمونه.»

درومیو انگشت‌هایش را سایبان چشم‌هایش کرد و به مرغ‌های ماهی‌خوار خیره شد که جیغ‌های مستشان اسکله را پُر کرده بود. انگار لاشه‌ی بی‌جان ماهی‌ها سر شوق آورده بودشان. دو مرد قدم زدند و کنار کشتی آمدند. مردی که سرش را با

۱. Syracuse؛ شهری باستانی در جزیره‌ی سیسیل که در جنوب ایتالیاست.

2. Antipholus

حریری به‌رنگ آبی زنگاری بسته بود، به جاشوها دستور می‌داد: مراقب بارهاش باشند. همین‌که چشمش به آن‌ها افتاد، گفت: «اوه! آنتی‌فولوس! دوست من! بالاخره به شهر ما رسیدی. هان؟ می‌بینی افسس چه باشکوهه؟»

آنتی‌فولوس سیل‌هایش را جوید و لبخند بی‌جانی روی لب‌هایش نشست.

مرد همان‌طور که سربند آبی‌اش را باز می‌کرد، گفت: «تعجبم! تو هنوز خسته نشدی از این شهر به اون شهر رفتن؟ غلط نکنم همه‌ی دنیا رو دیدی. نیست؟»

آنتی‌فولوس گفت: «تو چی رفیق؟ خسته نشدی از تجارت؟» تاجر گفت: «تجارت خستگی نمی‌شناسه که. ته نداره اصلاً. پول می‌آد روی پول و همین‌طور زیاد می‌شه. اما تو چی؟ از این‌همه دور این شهر و اون شهر گشتن چی نصیبت شده؟ همین‌جا توی افسس ما همون زن‌های دلی داریم که پات رو خوشگل بند می‌کنن.»



و دستش را روی شانه‌ی آنتی‌فولوس انداخت و بلندبلند خندید. آنتی‌فولوس سرش را پایین انداخت و گوش‌ماهی سفیدی را زیر کفش‌هاش لغزاند و گفت: «تو هم آگه جای من بودی، همین کار رو می‌کردی رفیق. هیچ‌کس جز این درومیو نمی‌دونه برای چی این‌همه شهر رو زیر پا گذاشته‌ام. هیچ‌کس رفیق!»

تاجر ریش‌های تَنکَش را خاراند و گفت: «اوه! آنتی‌فولوس! تا یادم نرفته بگذار پول‌هایی رو که بهت بدهکار بودم، برگردونم. شاید به دردت بخوره. بزنی‌اش به یک زخمی. شنیده‌ام تاجرهای سیراکوزی رو می‌گیرن. صد‌اش رو درنیار اهل کجا هستی. قانونِ سفت‌وسختی گذاشته‌اند. هر تاجر سیراکوزی که به افسس بیاد، باید پول خورش رو بده. شنیده‌ام همین امروز و فردا قراره یک تاجر سیراکوزی رو اعدام کنن.»

آنتی‌فولوس گفت: «من هم یک چیزهایی شنیده‌ام. توی سیراکوز هم انگار تاجرهای افسس رو اعدام می‌کنن. خوش حال می‌شم به شهر ما هم سری بزنی.»

تاجر زنگاری‌پوش دوباره خندید و گفت: «خوشم می‌آد هنوز هم اهل بگو بخندی. بیا امشب رو تا خود صبح با هم بشینیم و گپ بزنینم آنتی‌فولوس. خیلی دلم می‌خواد قصه‌ی سفرهات رو برام تعریف کنی.»

آنتی‌فولوس کیسه‌ی سکه‌هاش را از کمرش باز کرد و گفت: «بیا درومیو. همیشه فکر می‌کردم افسس ناامنه. این پول‌ها رو به مهمان‌خانه ببر. من هم گشتی توی بازار می‌زنم و برای ناهار برمی‌گردم.»

درومیو کیسه را توی لباسش انداخت و گفت: «چشم ارباب!»

و در چشم‌به‌هم‌زدنی دور شد و آن دو دوست قدیمی را تنها گذاشت.



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند، زیرا؛ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کنند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود. این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگرند و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است. و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر .....